

Comparing the Impact of Economic Uncertainty on Income Distribution Inequality in Iran and the Russian Federation

Ehsan Rasoulinezhad

Associate Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: e.rasoulinezhad@ut.ac.ir

ORCID: 1757-7726-0002-0000 

Abstract:

Economic uncertainty, as a key factor, affects economic decision-making and social welfare. This paper adopts a comparative approach to examine the impact of economic uncertainty on income inequality in Iran and the Russian Federation using quarterly data from 2004 to 2024. By designing and constructing an innovative uncertainty index based on Google Trends data and country-specific keywords, and employing a distributed lag self-explanatory model to distinguish between short-term and long-term effects, the results indicate that economic uncertainty significantly influences income inequality in both countries. However, the mechanism, intensity, and temporal dynamics of this effect differ considerably. Key findings show that in both countries, uncertainty shocks reduce inequality in the short and long term, but this effect is considerably stronger and adjusts more rapidly in Iran compared to Russia. This may be due to the greater vulnerability of assets and incomes of the affluent class in Iran's volatile economy. The findings highlight the importance of designing stabilizing policies and strengthening redistributive institutions tailored to each country's specific structure and dynamics to manage the distributive effects of uncertainty.

Keywords: Economic uncertainty, income inequality, Gini coefficient, Iran, Russia
JEL Classification: C22, D31, E66

Extended Abstract:

1- Introduction

Economic uncertainty has emerged as a critical determinant of macroeconomic stability and social welfare. Fluctuations in uncertainty can influence investment decisions, consumption patterns, and income distribution, particularly in economies with pronounced structural vulnerabilities. While prior studies have explored the macroeconomic consequences of uncertainty, cross-country comparative analyses focusing on income inequality remain limited. This study aims to fill this gap by examining how economic uncertainty affects income distribution inequality in two distinct contexts: Iran, characterized by a highly volatile and oil-dependent economy, and the Russian Federation, a major emerging economy with different structural and institutional characteristics.

2- Method

A comparative empirical approach is adopted using quarterly data spanning 2004–2024. To capture country-specific economic uncertainty, an innovative uncertainty index is constructed based on Google Trends data, incorporating keywords tailored to each country's economic context. The analysis employs a distributed lag self-explanatory (ARDL) model to distinguish between short-term and long-term effects of uncertainty shocks on income inequality. Income inequality is measured using the Gini coefficient derived from official national statistics. Robustness checks include alternative specifications of the uncertainty index and lag structures to ensure reliability of the results.

3- Results

The findings indicate that economic uncertainty significantly affects income inequality in both Iran and Russia. In both countries, uncertainty shocks reduce income inequality in the short and long term. However, the magnitude, timing, and adjustment speed differ substantially. In Iran, the effect is stronger and adjustment occurs more rapidly, reflecting the higher vulnerability of wealth and income among affluent households in a volatile economic environment. In Russia, the effect is weaker and exhibits slower adjustment dynamics. These differences highlight the role of structural factors, institutional arrangements, and the distribution of assets in mediating the impact of uncertainty on income inequality.

4- Conclusions

The study underscores the importance of designing stabilizing macroeconomic policies and strengthening redistributive institutions to mitigate the distributive consequences of economic uncertainty. Policies tailored to each country's structural and institutional characteristics can enhance resilience and promote social equity. For Iran, rapid intervention in periods of heightened uncertainty may prevent exacerbation of inequality, while in Russia, long-term institutional adjustments may be more effective.

-Funding

There is no funding support

-Authors' contribution

The paper has been written by one author

-Conflict of interest

The authors declare no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

مقایسه اثرگذاری نااطمینانی اقتصادی بر شاخص نابرابری توزیع درآمد در ایران و فدراسیون روسیه

احسان رسولی نژاد

دانشیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: e.rasoulinezhad@ut.ac.ir

ORCID: 0000□0002□7726□1757 

چکیده:

نااطمینانی اقتصادی به عنوان یک عامل کلیدی، تصمیم‌سازی‌های اقتصادی و وضعیت رفاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مقاله با رویکردی تطبیقی، به بررسی اثر نااطمینانی اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران و فدراسیون روسیه با استفاده از داده‌های فصلی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۴ می‌پردازد. با طراحی و ساخت شاخص نوآورانه نااطمینانی مبتنی بر داده‌های گوگل ترندز و با استفاده از کلیدواژه‌های بومی هر کشور، و به کارگیری رهیافت الگوی خودتوضیح با وقفه‌های توزیع شده برای تمایز بین اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت، نتایج نشان می‌دهد که نااطمینانی اقتصادی به طور معناداری بر نابرابری درآمد در هر دو کشور اثر می‌گذارد؛ با این حال، مکانیسم، شدت و پویایی زمانی این اثر کاملاً متفاوت است. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهند که در هر دو کشور، شوک نااطمینانی در کوتاه‌مدت و بلندمدت موجب کاهش نابرابری می‌شود، اما این اثر برای ایران به مراتب قوی‌تر و با سرعت تعدیل سریع‌تری نسبت به روسیه است. این امر می‌تواند ناشی از آسیب‌پذیری بیشتر دارایی‌ها و درآمدهای قشر مرفه در اقتصاد پرنوسان ایران باشد. یافته‌ها بر اهمیت طراحی سیاست‌های ثبات‌بخش و نیز تقویت نهادهای بازتوزیعی متناسب با ساختار و پویایی‌های خاص هر کشور برای مدیریت اثرات توزیعی نااطمینانی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: نااطمینانی اقتصادی، نابرابری درآمد، ضریب جینی، ایران، روسیه.

طبقه بندی JEL: C22, D31, E66

۱- مقدمه و بیان مساله

نابرابری درآمدی و نوسانات اقتصادی از جمله مسائل محوری در مطالعات رشد و توسعه‌اند که طبق گفته‌ی رسولی‌نژاد (۱۴۰۴) با شدت گرفتن بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، پاندمی کرونا و تغییرات اقلیمی، بیش از پیش به مسئله‌ای چندبعدی تبدیل شده‌اند. شوک‌ها و دوره‌های «نااطمینانی اقتصادی» (مثلاً تغییرات تحریم‌ها، نوسان قیمت نفت، بحران‌های پولی یا سیاستی) می‌توانند از طریق کانال‌های اشتغال، سرمایه‌گذاری و قیمت‌های نسبی، توزیع درآمد را تغییر دهند؛ ولی جهت و شدت این اثر بسته به ساختار بازار کار، شبکه‌های حمایتی دولت، ساختار درآمدها و سازوکار انتقال متفاوت است. بررسی مقایسه‌ای ایران و فدراسیون روسیه، دو اقتصاد بزرگ منطقه با وابستگی قابل توجه به درآمدهای انرژی و تجربه‌های متفاوت سیاست‌گذاری، فرصت منحصربه‌فردی فراهم می‌کند تا نقش نااطمینانی در تغییرات ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمد) شناسایی شود.

هرچند مطالعات متعددی همچون جووانوویچ و ما^۱ (۲۰۲۲)، چیخال^۲ (۲۰۲۳) و مولر و همکاران^۳ (۲۰۲۵)، اثر شوک‌های نااطمینانی^۴ بر متغیرهای کلان مثل رشد، بیکاری و سرمایه‌گذاری را بررسی کرده‌اند، اما پرسش اثر پایدار و توزیعی نااطمینانی بر نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای تحت تحریم کمتر بررسی شده است. علاوه بر این، بیشتر شاخص‌های نااطمینانی موجود (مثل شاخص‌های مبتنی بر رسانه) برای بعضی کشورها محدود و غیرقابل اعتماد هستند. مسئله اصلی این پژوهش این است: «چگونه تغییرات شاخص نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر گوگل ترندز^۵ بر ضریب جینی (توزیع درآمد) در ایران و روسیه اثر می‌گذارد؟» و «آیا ساختار و شدت این اثر در دو کشور متفاوت است و به چه عوامل نهادی و کلان بستگی دارد؟». فرضیه اولیه این پژوهش چنین است که نااطمینانی اقتصادی به عنوان یک اصل کلی می‌بایست اثر منفی و معنادار بر شکوفایی و وضعیت مساعد اقتصادی یک کشور داشته باشد.

در مورد شاخص نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر گوگل ترندز، می‌توان چنین ذکر کرد که این شاخص، یک ابزار نوین و پویا برای سنجش نااطمینانی در فضای اقتصاد کلان است که با تحلیل حجم جستجوهای کاربران در موتور جستجوی گوگل برای کلیدواژه‌های مرتبط با بحران‌های اقتصادی عمل می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت این شاخص می‌توان به دسترسی آسان و به‌هنگام داده‌ها برای طیف وسیعی از کشورها، فراگیر بودن (به دلیل انعکاس نگرانی‌های مستقیم شهروندان و فعالان اقتصادی)، کاهش وابستگی به اخبار رسمی و رسانه‌های محدودشده و همچنین سرعت و انعطاف‌پذیری بالا در شناسایی تغییرات لحظه‌ای در فضای احساسی اقتصاد اشاره کرد.

1 - Jovanovic & Ma

2 - Chikhale

3 - Muller et al.

4 - Uncertainty shocks

5 - Google trends

نکته مهم دیگر قابل بحث آن است که ساخت یک شاخص نااطمینانی مبتنی بر گوگل ترندز با انتخاب کلیدواژه‌های مرتبط با نااطمینانی اقتصادی/سیاسی (مثل «تحریم»، «نرخ ارز»، «تورم»، «بحران اقتصادی»، «نوسان بازار» و نظایر آن) و استخراج سری زمانی شاخص جستجوی مربوط برای هر کشور می‌تواند نوآوری جالبی در حوزه شناخت نااطمینانی اقتصادی براساس جستجوی افراد در بستر اینترنت باشد. این شاخص نوآورانه در برخی از مقالات منتشر شده جدید (همچون کالستلانو و ترن^۱، ۲۰۱۷؛ شزوگیلسکی و همکاران^۲، ۲۰۲۴؛ بونتیمپی و همکاران^۳، ۲۰۲۵) نیز مورد استفاده قرار گرفته و روایی علمی قابل توجهی در پژوهش‌های انجام شده داشته است.

این پژوهش از دو جنبه اصلی به ادبیات موجود در حوزه نااطمینانی اقتصادی و نابرابری درآمدی مشارکت می‌کند. نخست، نوآوری روش‌شناختی پژوهش در طراحی و بکارگیری شاخص نوین نااطمینانی مبتنی بر گوگل ترندز برای دو کشور ایران و روسیه است که مشکل محدودیت و عدم قابلیت اعتماد شاخص‌های متعارف در این کشورها را مرتفع می‌سازد. دوم، مشارکت محتوایی و شناختی آن با تمرکز بر اثرات توزیعی و نهادی نااطمینانی اقتصادی بر نابرابری درآمد (ضریب جینی) در دو اقتصاد وابسته به انرژی، ولی با ساختارهای نهادی و سیاست‌گذاری متفاوت است. این رویکرد مقایسه‌ای، درک عمیق‌تری از چگونگی و شدت تأثیرگذاری شوک‌های نااطمینانی از طریق کانال‌های مختص هر کشور (مانند شبکه توزیع، وابستگی به درآمدهای انرژی و سیاست‌های واکنشی دولت) فراهم می‌آورد و یافته‌های آن می‌تواند مبنای علمی دقیق‌تری برای طراحی سیاست‌های توزیعی و رفاهی هدفمند در هر دو کشور، به‌ویژه در مواجهه با شوک‌های برونزا ارائه دهد.

انتخاب فدراسیون روسیه به عنوان مطالعه موردی مقایسه‌ای با ایران، بر پایه اشتراکات ساختاری کلیدی و در عین حال، وجود تمایزات نهادی استوار است که این مقایسه را به شدت غنی و آموزنده می‌سازد. از یک سو، هر دو اقتصاد، وابستگی حیاتی به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی (به‌ویژه نفت و گاز) دارند و بنابراین به طور ذاتی در معرض شوک‌های خارجی مشترکی چون نوسانات قیمت جهانی انرژی قرار می‌گیرند. افزون بر این، ایران و فدراسیون روسیه، تجربه مستقیم تحریم‌های بین‌المللی گسترده را در سال‌های اخیر داشته‌اند که کانال اصلی ایجاد نااطمینانی اقتصادی در هر دو کشور بوده است (رسولی نژاد و اکسی، ۱۴۰۳). این اشتراکات، یک «پایه مقایسه‌پذیر» ایده‌آل برای بررسی چگونگی انتقال شوک‌های نااطمینانی به نابرابری درآمدی فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، تفاوت‌های بنیادین در سطح توسعه یافتگی، قدرت نهادهای تنظیم‌گر، و ظرفیت‌های سیاست‌گذاری بین دو کشور، محل اهمیت انتخاب فدراسیون روسیه به عنوان نمونه مطالعاتی در این تحقیق را تبیین می‌کند. برای نمونه، اقتصاد روسیه با دارا بودن ذخایر ارزی عظیم‌تر، نظام بانکی متمرکزتر و بسته‌های حمایتی گسترده‌تر (رسولی نژاد، ۱۳۹۶)، ممکن است سازوکارهای متفاوتی برای جذب یا انتقال شوک‌های نااطمینانی داشته باشد. این تقابل میان «اشتراک در منشأ شوک‌ها» و «تفاوت در ظرفیت نهادی پاسخ»، به ما امکان می‌دهد تا نقش مؤثر ساختارهای داخلی و سیاست‌ها را در تعدیل یا تشدید اثرات توزیعی نااطمینانی به طور تجربی جدا کرده و درکی عمیق‌تر از پویایی این رابطه در اقتصادهای متکی بر منابع به دست آوریم.

در ادامه این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. در بخش دوم، اهداف اصلی پژوهش و پرسش‌های تحقیق با تأکید بر تبیین رابطه میان نااطمینانی اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد در دو کشور ایران و فدراسیون روسیه تشریح می‌شود. در بخش سوم،

1 - Castelnovo & Tran

2 - Szczygielski et al.

3 - Bontempi et al.

پیشینه نظری و تجربی مرتبط با اثرات ناطمینانی اقتصادی بر شاخص‌های توزیع درآمد مرور شده و بر مبنای آن، چارچوب مفهومی پژوهش شامل سازوکارهای انتقال اثر ناطمینانی بر نابرابری (از کانال‌های بازار کار، تورم و سیاست‌های مالی) ترسیم می‌گردد. بخش چهارم به تشریح روش تحقیق اختصاص دارد که در آن نحوه استخراج شاخص ناطمینانی اقتصادی مبتنی بر داده‌های گوگل ترندز، منابع آماری ضریب جینی، مدل‌سازی اقتصادسنجی و آزمون فرضیه‌ها توضیح داده می‌شود. در بخش پنجم، یافته‌های تجربی و مقایسه نتایج بین دو کشور ارائه و تحلیل می‌شود. در نهایت، بخش ششم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها، سیاستی می‌پردازد و ضمن جمع‌بندی نتایج، پیشنهادهایی برای کاهش آثار منفی ناطمینانی اقتصادی بر عدالت توزیعی در چارچوب سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی هر کشور ارائه می‌دهد.

۲- اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف کلان این پژوهش، تبیین و مقایسه اثر ناطمینانی اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد در دو کشور ایران و فدراسیون روسیه است تا درک روشن‌تری از پویایی‌های عدالت اقتصادی در شرایط بی‌ثباتی کلان حاصل شود.

در سطح مدیریتی (سیاستی)، این مقاله در پی آن است که شواهدی تجربی برای حمایت از سیاست‌گذاری مبتنی بر ثبات اقتصادی و عدالت اجتماعی ارائه دهد. از این منظر، هدف آن است که مشخص شود ناطمینانی‌های ناشی از عوامل بیرونی (تحریم‌ها، نوسانات قیمت انرژی، تغییرات نرخ ارز) تا چه اندازه می‌توانند موجب تشدید شکاف درآمدی شوند و کدام ابزارهای سیاستی - مانند یارانه‌های هدفمند، سیاست‌های مالیاتی تصاعدی یا ثبات‌بخشی پولی - می‌توانند آثار منفی آن را تعدیل کنند. نتایج این بخش به تصمیم‌گیران در تدوین سیاست‌های مقاوم‌سازی اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی در چارچوب اسناد بالادستی (از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ایران و پروژه‌های ملی کاهش نابرابری در روسیه) یاری می‌رساند.

در سطح عملیاتی (پژوهشی)، هدف این است که شاخصی تجربی از ناطمینانی اقتصادی با استفاده از داده‌های گوگل ترندز طراحی و اعتبارسنجی شود و رابطه‌ی آن با ضریب جینی در بازه زمانی معین مورد آزمون قرار گیرد. این سطح از هدف شامل تخمین شدت و جهت اثر ناطمینانی بر نابرابری، بررسی پویایی زمانی این اثر، و مقایسه ساختاری واکنش دو کشور به شوک‌های ناطمینانی است.

همچنین سوال اصلی این مقاله "ناطمینانی اقتصادی چگونه و تا چه اندازه بر شاخص نابرابری توزیع درآمد (ضریب جینی) در ایران و فدراسیون روسیه تأثیر می‌گذارد و چه تفاوت‌هایی در سازوکار اثرگذاری میان دو کشور وجود دارد؟" خواهد بود. بر مبنای نظریه‌های اقتصاد کلان رفتاری و توزیعی، افزایش ناطمینانی اقتصادی باعث کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش ریسک‌بیکاری، نوسان درآمدهای واقعی و کاهش قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد می‌شود. در نتیجه، شکاف درآمدی میان دهک‌های بالا و پایین افزایش می‌یابد و ضریب جینی رشد می‌کند. در ایران، به دلیل وابستگی بالا به درآمدهای نفتی، نوسانات نرخ ارز، تورم مزمن و محدودیت‌های سیاست مالی، اثر ناطمینانی احتمالاً قوی‌تر و سریع‌تر بر نابرابری آشکار می‌شود. در مقابل، روسیه با وجود وابستگی مشابه به انرژی، به دلیل ذخایر ارزی بالاتر و سیاست‌های حمایتی گسترده‌تر، ممکن است واکنش تعدیل‌شده‌تری نشان دهد. بنابراین، انتظار می‌رود رابطه بین ناطمینانی و نابرابری در هر دو کشور مثبت باشد، اما الگوی پویایی آن‌ها متفاوت باشد.

۳- پیشینه تحقیق و چارچوب مفهومی

در راستای کشف خلاهای پژوهشی، می‌بایست ادبیات موجود در حوزه ناطمینانی اقتصادی و نابرابری درآمدی مورد توجه قرار گیرد.

گروه قابل‌توجهی از اندیشمندان به بحث ناطمینانی اقتصادی پرداخته‌اند. اندیشمندان ایرانی که این موضوع را در پژوهش‌های سال‌های اخیر مورد توجه قرار داده‌اند شامل موارد زیر می‌شوند: رضایی و نوروزی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به موضوع ارتباط ناطمینانی اقتصادی و تصمیمات وام‌دهی بانک‌ها در کشور ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش، ناطمینانی اقتصادی در قالب یک شاخص ترکیبی از شش متغیر مختلف در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۴ برای ۱۳ بانک فعال در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه شد. مهم‌ترین نتیجه این مقاله، اثر مثبت ناطمینانی بر ریسک اعتباری بانک‌ها و حجم تسهیلات اعطایی است. در مقاله دیگر، حسنی و همکاران (۱۴۰۱) سعی نمودند تا به محاسبه اثر ناطمینانی اقتصادی بر ثبات سلامت سیستم مالی بپردازند. در این مقاله، نوسانات تورمی به عنوان نماینده ناطمینانی اقتصادی انتخاب و از طریق روش خودرگرسیون تعمیم‌یافته به تحلیل اثر پرداخته شد. یافته کلیدی این تحقیق آن است که ناطمینانی تورمی منجر به گسست در سلامت سیستم مالی کشورها می‌شود. همچنین گودرزی فراهانی و عباسی‌نژاد (۱۴۰۲) با اتکا به رویکرد تعادل عمومی پویای تصادفی سعی نمودند تا رابطه میان تکانه ناطمینانی اقتصادی و متغیرهای پولی و مالی کشور ایران در بازه ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۱ را استخراج کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تکانه ناطمینانی سیاست مالی بر نرخ بهره، نرخ ارز و نرخ تورم اثرات معکوس و معنادار دارد. دیگر مطالعه مهم در این زمینه، پژوهش حاجی‌مال‌میرزایی و همکاران (۱۴۰۳) است که ناطمینانی مخارج دولت و وضعیت کلان اقتصادی ایران مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش با استفاده از داده‌های سالانه ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۹ و روش خودرگرسیون برداری ساختاری، ضریب اثر ناطمینانی مخارج جاری و عمرانی دولت بر متغیرهای کلان اقتصاد کشور ایران مورد مطالعه قرار گرفت. خروجی تخمین‌ها نشان می‌دهد یک تکانه وارده از سوی ناطمینانی منجر به کاهش ۳ درصدی تولید ناخالص داخلی و ۱۲ درصدی اشتغال در کشور ایران می‌شود. در پژوهش‌های خارج از کشور، افضل‌ی و همکاران^۱ (۲۰۲۱) به این نکته پرداختند که ناطمینانی اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش فساد مالی شود. جهت بررسی این نکته، داده‌های ۱۰۴۶۳۸ شرکت از ۹۳ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ استخراج شد. یافته‌های تخمین‌ها نشان داد که ناطمینانی اقتصادی منجر به افزایش فرار از مالیات شرکت‌های خصوصی و رشوه‌گیری شرکت‌های دولتی خواهد شد. تونگ و همکاران^۲ (۲۰۲۳) به مطالعه ارتباط ناطمینانی اقتصادی و نوسانات مالی در شرکت‌های بورسی اس‌اندپی ۵۰۰ پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد اثر ناطمینانی بر نوسان مالی مثبت بوده، اما متغیرهای میانجی همچون ریسک، بر اندازه این اثر مهم می‌باشند. تانگ و کائو^۳ (۲۰۲۵)، به بررسی اثرگذاری ناطمینانی اقتصادی بر هدفگذاری راهبردی بنگاه‌ها برای ۲۰۵۴ نمونه جهانی در بازه ۲۰۱۲ الی ۲۰۲۳ و مدل سازی اقتصادسنجی پرداخته‌اند. نتیجه کلیدی این تحقیق آن است که ناطمینانی می‌تواند منجر به تغییر هدفگذاری بنگاه‌ها از سودآوری بلندمدت به رشد کوتاه‌مدت شود. در تحقیقی دیگر، لو و همکاران^۴ (۲۰۲۵) به بررسی اثرگذاری ناطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر ریسک درون صنایع در کشور چین پرداختند. با تحلیل

1 - Afzali et al.

2 - Tong et al.

3 - Tang & Cao

4 - Lu et al.

داده‌هایی از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱، تحقیق آن‌ها نشان داد با توجه به تأثیر هم‌بستگی، شوک‌های نااطمینانی سیاستی، اثر سرریز ریسک بارزتری در صناعی با قابلیت بازتخصیص دارایی پایین یا رقابت ضعیف ایجاد می‌کنند. البسام و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در پژوهشی با بکارگیری نظریه منحنی کوزنتس و داده‌های ۱۲ کشور از ۱۹۹۷ الی ۲۰۲۲ به این یافته رسیدند که نااطمینانی اقتصادی بر رشد تولید اثر منفی و نیز تأثیر فزاینده بر انتشار دی اکسید کربن دارد.

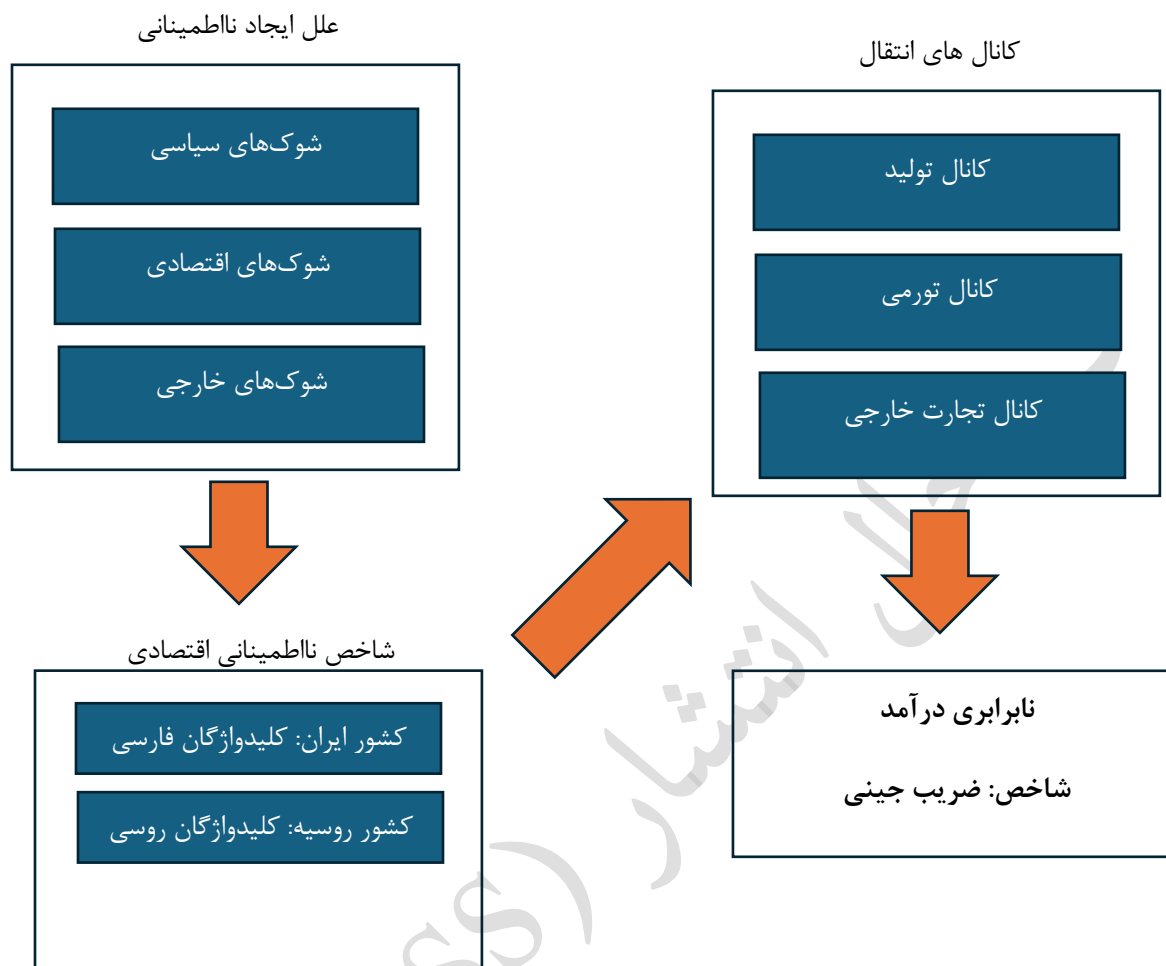
دسته دیگری از ادبیات موجود به توزیع درآمد و نابرابری در آن پرداخته‌اند. صمدی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تجزیه ضریب جینی در شهرها و روستاهای ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ را انجام دادند. طبق یافته‌های این پژوهش، ضریب جینی مناطق شهری و روستایی ایران طی این دوره زمانی روند بهبود را گذرانده و عوامل افزایش‌دهنده این ضریب برای مناطق شهری متفاوت از مناطق روستایی می‌باشد. شرافت‌جهرمی و تاجی (۱۳۸۹) به مطالعه اثر سیاست‌های مالی و پولی بر نابرابری توزیع درآمد ایران طی بازه زمانی ۱۳۳۸ الی ۱۳۸۶ با استفاده از روش تخمین حداقل مربعات معمولی پرداختند. دستاوردهای این مقاله نشان می‌دهند که افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی عاملی افزایش‌دهنده ضریب جینی در ایران بوده و افزایش مخارج دولت عامل کاهش نابرابری درآمدی می‌باشد. در پژوهشی، بلاتوگل و همکاران^۲ (۲۰۲۲) به رابطه میان نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در گروه‌های مختلف کشوری پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها گواه این موضوع است که اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت نابرابری درآمدی بر روند رشد اقتصادی کشورها متفاوت بوده و رشد اقتصادی کشورهایی با توزیع درآمد عادلانه‌تر، مناسب‌تر و سریع‌تر خواهد بود. اپو و همکاران^۳ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای به رابطه میان نابرابری درآمدی و استقلال سیاسی ۷۸ کشور در حال توسعه در بازه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ پرداختند. تخمین نتایج از طریق گشتاورهای تعمیم‌یافته مشخص کرد که کشورهای مستعمره مشکلات جدی‌تری در برابر سازی توزیع درآمد داشته و ساختارهای اقتصادی-اجتماعی آن‌ها تحت نفوذ سیاسی استعمارگران منجر به ایجاد نابرابری عمیق در توزیع درآمد شده است.

با وجود استفاده از شاخص‌های مختلف مانند نوسانات تورمی یا شاخص‌های ترکیبی در پژوهش‌های داخلی (مانند رضایی و نوروزی، ۱۳۹۸؛ حسنی و همکاران، ۱۴۰۱)، هیچ مطالعه‌ای در ایران و روسیه از شاخص نااطمینانی مبتنی بر گوگل ترندز استفاده نکرده است. این در حالی است که این شاخص به دلیل ماهیت اجتماعی (براساس جستجوی کاربران) و همزمانی، می‌تواند تصویر دقیق‌تری از نوسانات لحظه‌ای نااطمینانی ارائه دهد. پژوهش‌های موجود عمدتاً بر شاخص‌های اقتصادی کلان با تأخیر زمانی متکی هستند. همچنین اگرچه هر دو کشور، اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی (نفت و گاز) و در معرض شوک‌های خارجی (تحریم، نوسانات قیمت انرژی) هستند، مطالعه‌ای که به مقایسه نظام‌مند تأثیر نااطمینانی بر نابرابری در این دو کشور بپردازد، وجود ندارد.

حال با توجه به مشخص شدن شکاف پژوهشی چارچوب مفهومی نمودار ۱ قابل ترسیم است. این چارچوب بر پایه این ایده اصلی بنا شده است که شوک‌های نااطمینانی اقتصادی از طریق کانال‌های مختلف، بر توزیع درآمد در یک اقتصاد تأثیر می‌گذارند و این تأثیر با توجه به ساختارهای اقتصادی-نهادی هر کشور (در اینجا ایران و روسیه) می‌تواند متفاوت باشد.

نمودار ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

1 - Albassam et al.
2 - Blotevogel et al.
3 - Epo et al.



منبع: پژوهش حاضر

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی-توسعه‌ای قرار می‌گیرد و برای آزمون فرضیه‌ها از روش‌های علی و تخمین اقتصادسنجی بهره خواهد برد. رویکرد اصلی، تحلیل مقایسه‌ای بین دو کشور ایران و فدراسیون روسیه با استفاده از داده‌های سری زمانی می‌باشد.

دوره زمانی مطالعه از سال ۲۰۰۴ میلادی تا ۲۰۲۴ به صورت فصلی (۸۴ مشاهده) در نظر گرفته شده است. انتخاب این بازه زمانی به دلایل مفهومی و روش‌شناختی صورت پذیرفته است. مهم‌ترین دلیل برای آغاز دوره مطالعه از سال ۲۰۰۴، محدودیت دسترسی به داده‌ها در گوگل ترندز بوده است. همچنین استخراج فصلی داده‌ها طی این بازه زمانی مشکل محدودیت متغیرها در تخمین اقتصادسنجی را حل کرده است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از نوع داده‌های ثانویه و از منابع معتبر بین‌المللی و ملی گردآوری

شده‌اند. بدین صورت که داده‌های نابرابری درآمد که با شاخص ضریب جینی اندازه‌گیری می‌شود، همراه با داده‌های متغیرهای کنترل شامل رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری، تعداد جمعیت و حجم تجارت خارجی، از پایگاه‌های داده بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و نیز بانک‌های مرکزی دو کشور استخراج شده‌اند.

در هسته روش‌شناختی این تحقیق، ساخت یک شاخص نوآورانه برای نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر روندهای جستجوی گوگل قرار دارد. برای این منظور، فهرستی از کلیدواژه‌های مرتبط با نااطمینانی اقتصادی و سیاسی (برای مثال کلیدواژه‌هایی نظیر «تحریم»، «نرخ ارز»، «تورم» و معادل‌های روسی آنها مانند «Санкции», «Курс доллара», «Инфляция».) به زبان‌های فارسی و روسی برای هر کشور به صورت مجزا انتخاب شده است. در ادامه، داده‌های حجم جستجوی این کلیدواژه‌ها در بازه زمانی مورد مطالعه از وب سایت گوگل ترندز استخراج و سپس با به کارگیری روش آماری تحلیل مؤلفه‌های اصلی در قالب یک شاخص ترکیبی واحد به نام شاخص نااطمینانی گوگل ادغام شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش اقتصادسنجی سری زمانی استفاده شده است. چارچوب اقتصادسنجی پژوهش، یک مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره است که در آن ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته، شاخص نااطمینانی گوگل به عنوان متغیر مستقل و سایر متغیرهای اقتصادی به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته می‌شوند. پیش از برآورد مدل، تحلیل‌های تشخیصی لازم شامل آزمون‌های ریشه واحد برای بررسی مانایی و آزمون‌های هم‌انباشتگی برای شناسایی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها انجام پذیرفت. با توجه به ویژگی‌های سری‌های زمانی، در صورت وجود رابطه بلندمدت، از مدل تصحیح خطای برداری و در غیر این صورت از مدل خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی برای برآورد استفاده به عمل خواهد آمد. در نهایت، پس از برآورد جداگانه مدل برای هر یک از دو کشور، یک تحلیل تطبیقی ساختاریافته انجام خواهد شد.

۵- یافته‌های تحقیق

پیش از تحلیل روابط، می‌بایست شاخص نااطمینانی برای هر دو کشور ساخته شود. فرآیند شاخص‌سازی به شرح زیر است:

پس از بررسی ادبیات و تحلیل اخبار اقتصادی دو کشور، کلیدواژه‌های نهایی به شرح جدول ۱ انتخاب شدند. معیار انتخاب، ارتباط مفهومی با نااطمینانی و همچنین داشتن حجم جستجوی کافی در پلتفرم گوگل ترندز بود.

جدول ۱. کلیدواژگان جهت ساخت شاخص نااطمینانی اقتصادی

کشور	کلیدواژگان به زبان اصلی
ایران	تحریم، تورم، نرخ دلار، رکود اقتصادی، بیکاری، گرانی، افزایش قیمت، بحران اقتصادی، نااطمینانی اقتصادی، کسری بودجه، بازار بورس، قیمت نفت، سقوط ریال، سیاست اقتصادی، تغییر نرخ بهره، کساد بازار، وضعیت معیشت، کنترل قیمت، نوسان ارز، بحران مالی، بدهی دولت، رشد اقتصادی، کاهش تولید، رانت اقتصادی
روسیه	Санкции, Инфляция, Курс доллара, Экономический кризис, Безработица, Рубль, Рост цен, Бюджетный дефицит, Финансовый кризис, Нефть, Экономическая нестабильность, Государственный долг, Биржа, Рецессия, Покупательная

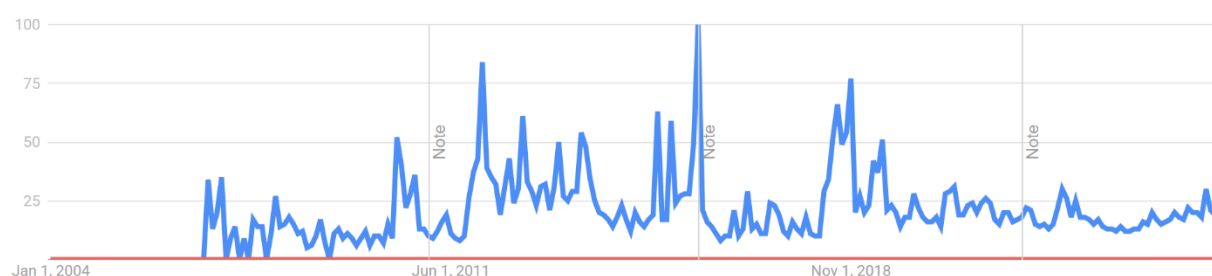
способность, Валютный рынок, Уровень жизни, Цены на нефть, Курс евро, Экономическая политика, Денежная масса, Кризис рубля, ВВП	
--	--

منبع: پژوهش حاضر

برای مثال نمودار جستجوی کلمه تحریم در ایران و санкций در روسیه به صورت نمودار ۲ ارایه شده است:

نمودار ۲: داده های جستجوی کلید واژه تحریم در روسیه و ایران طبق گوگل ترندز

کلیدواژه تحریم در ایران:



کلید واژه تحریم (Санкций) در فدراسیون روسیه:



منبع: پژوهش حاضر

داده‌های ماهانه حجم جستجوی هر کلیدواژه برای بازه زمانی ۲۰۰۴-۲۰۲۴ از گوگل ترندز استخراج شد. خروجی این پلتفرم برای هر کلیدواژه، یک سری زمانی با مقادیر بین ۰ تا ۱۰۰ است که ۱۰۰ نشان‌دهنده بیشترین حجم جستجو در آن بازه زمانی است. در ادامه با عملیات جمع، داده‌های ماهانه به داده‌های فصلی تبدیل شدند.

به دلیل هم‌خطی بالای کلیدواژه‌ها، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای ترکیب آن‌ها و ساخت یک شاخص ترکیبی واحد استفاده شد. نخستین مؤلفه اصلی که بیشترین واریانس داده‌ها را توضیح می‌دهد، به عنوان شاخص نهایی نااطمینانی اقتصادی برای هر کشور در نظر گرفته شد. روند این شاخص نشان می‌دهد که برای ایران، اوج‌های شاخص به وضوح با دوره‌های تشدید تحریم‌ها

(مانند سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸)، جهش‌های نرخ ارز و اعتراضات اقتصادی همخوانی دارد. برای روسیه، افزایش‌های ناگهانی شاخص با بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، تحریم‌های ۲۰۱۴ به دنبال الحاق کریمه و به ویژه جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ مطابقت دارد.

پیش از برآورد مدل، آمار توصیفی از متغیرهای مورد استفاده در مدل طبق جدول ۲ ارایه شده است. با در نظر گرفتن بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۴، آمارهای توصیفی ارائه شده تصویر واضح‌تری از تمایزات ساختاری بین دو اقتصاد ایران و روسیه نشان می‌دهد. میانگین بالاتر ضریب جینی روسیه (۰/۳۵) در این دو دهه، حاکی از تداوم یک الگوی نابرابری پایدارتر در مقایسه با ایران (۰/۲۹) است. با این حال، شاخص نااطمینانی اقتصادی در ایران با میانگین بسیار بالای ۶۷، نه تنها سطح مطلق نااطمینانی را نشان می‌دهد، بلکه انحراف معیار قابل توجه آن (۱۰/۵۹) حکایت از دوره‌های مکرر و شدید بی‌ثباتی در طول این ۲۰ سال دارد. در مقابل، میانگین پایین‌تر (۴۱) و انحراف معیار کمتر (۶/۲۱) این شاخص در روسیه، از ثبات نسبی محیط سیاست‌گذاری در این کشور حکایت می‌کند. مقیاس اقتصاد روسیه با میانگین تولید ناخالص داخلی ۱۳۳۵ میلیارد دلاری، به وضوح بزرگ‌تر از ایران (۲۶۴ میلیارد دلار) است. نرخ بیکاری به طور میانگین در ایران (۱۵/۷٪) نه تنها بالا بوده، بلکه نوسانات شدیدی (انحراف معیار ۶/۸۳) را تجربه کرده که بازتابی از شوک‌های اشتغالی متعدد است، در حالی که بازار کار روسیه با نرخ بیکاری پایین و ثبات‌تری (۴/۶٪) عمل کرده است. در نهایت، حجم تجارت روسیه که به طور میانگین هفت برابر ایران است، با انحراف معیار بسیار کم (۱۰/۲۹)، وابستگی پایدار و قابل اتکاتری به تجارت جهانی را در طول این دو دهه نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	واحد اندازه گیری	کشور	میانگین	انحراف از معیار
ضریب جینی	۱-۰	ایران	۰/۲۹	۰/۰۵
		روسیه	0/35	0/08
شاخص نااطمینانی اقتصادی	۱۰۰-۰	ایران	67	10/59
		روسیه	41	6/21
تولید ناخالص داخلی	میلیارد دلار امریکا (به قیمت جاری)	ایران	264/3	43/65
		روسیه	1335/4	13/68
بیکاری	درصد	ایران	15/7	6/83
		روسیه	4/6	1/12
حجم تجارت	میلیارد دلار امریکا	ایران	93/2	28/94
		روسیه	653/6	10/29

منبع: پژوهش حاضر

در ادامه، مانایی سری‌های زمانی با آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته بررسی شد (جدول ۳). نتایج نشان داد که برخی متغیرها در سطح و برخی دیگر با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند، بنابراین، برای بررسی وجود رابطه بلندمدت از آزمون هم‌انباشتگی پسران-

شین در چارچوب الگوی خودتوضیح با وقفه های توزیع شده استفاده شد (جدول ۴). نتایج این آزمون برای هر دو کشور وجود یک رابطه بلندمدت پایدار بین متغیرها را تأیید کرد (آماره F محاسبه شده از مقدار بحرانی بالاتر است).

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	کشور	در سطح	در تفاضل اول
ضریب جینی	ایران	-۱/۴۵	-۵/۲۳**
	روسیه	-۱/۸۹	-۴/۹۱**
شاخص نااطمینانی اقتصادی	ایران	-۲/۱۱	-۶/۱۵**
	روسیه	-۲/۳۴	-۵/۸۷**
تولید ناخالص داخلی	ایران	*-۳/۴۵	-۷/۸۹**
	روسیه	*-۴/۱۲	-۸/۴۵**
بیکاری	ایران	-۲/۵۶	-۵/۳۴**
	روسیه	*-۳/۸۷	-۶/۹۲**
حجم تجارت	ایران	-۱/۷۶	-۴/۹۸**
	روسیه	-۲/۰۱	-۵/۴۱**

منبع: پژوهش حاضر

جدول ۴. نتایج آزمون هم انباشتگی کرانه ای

کشور	آماره محاسبه شده F	مقادیر بحرانی		نتیجه
		۰	۱	
ایران	۶/۴۲	۳/۱۵	۴/۴۳	فرضیه صفر رد می شود
روسیه	۵/۸۹	۳/۱۵	۴/۴۳	فرضیه صفر رد می شود

منبع: پژوهش حاضر

در ادامه با توجه به نتایج آزمون مانایی و هم انباشتگی، با استفاده از رویکرد الگوی خودتوضیح با وقفه های توزیع شده، روابط بلندمدت بین متغیرها برای ایران و روسیه برآورد شد. مدل کلی به صورت رابطه ۱ تعریف می شود:

$$GINI_t = \beta_0 + \beta_1 * GTU_t + \beta_2 * UNEMPLOYMENT_t + \beta_3 * GDP_t + \beta_4 * TRADE_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

نتایج نهایی برآورد مدل های بلندمدت در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵. برآورد ضرایب متغیرهای مستقل

چشم انداز	متغیرهای توضیحی	ضریب برآوردی (ایران)	آماره t	ضریب برآوردی (روسیه)	آماره t
بلندمدت	شاخص نااطمینانی اقتصادی	-۰/۴۵	-۳/۸۹	-۰/۲۸	-۳/۰۵
	تولید ناخالص داخلی	۰/۶۲	۴/۱۲	۰/۵۸	۴/۸۸
	بیکاری	-۰/۳۱	-۲/۳۵	-۰/۲۲	-۲/۱۴
	حجم تجارت	۰/۰۸	۵/۶۴	۰/۵۳	۴/۲۳
	عرض از مبدا	۱۲/۴۵	۱۰/۵۰	۱۵/۶۷	۱۸/۳۲
کوتاه مدت	Δ شاخص نااطمینانی اقتصادی	-۰/۱۵	-۲/۴۵	-۰/۰۹	-۱/۹۸
	Δ تولید ناخالص داخلی	۰/۲۵	۳/۱۲	۰/۲۱	۲/۸۹
	Δ بیکاری	-۰/۱۲	-۲/۰۱	-۰/۰۸	-۱/۸۷
	Δ حجم تجارت	۰/۰۳	۱/۴۵	۰/۱۸	۳/۵۵
	ECT	-۰/۶۵	-۵/۲۱	-۰/۴۸	-۴/۵۷

منبع: پژوهش حاضر

با بررسی جدول ۵ برآورد ضرایب و با در نظر گرفتن این نکته که متغیر وابسته، ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمد) است، می‌توان اثرات هر متغیر را به تفصیل و به صورت مقایسه‌ای بین دو کشور ایران و روسیه تحلیل نمود.

برای کشور ایران، ضریب برآوردی بلندمدت شاخص نااطمینانی اقتصادی معادل -۰/۴۵- به دست آمده که حاکی از اثر معنادار و معکوس این متغیر بر نابرابری درآمد است. برای این متغیر، ضریب اثر کوتاه‌مدت (-۰/۱۵-) نیز منفی و معنادار است. این نشان می‌دهد که اثر کاهش‌دهندگی نااطمینانی بر نابرابری در کشور ایران، تقریباً بلافاصله پس از وقوع شوک آشکار می‌شود، اما قدرت این اثر در بلندمدت به مراتب بیشتر است (تقریباً سه برابر). این الگو از پویایی زمانی، از فرضیه "تأثیر نامتناسب شوک بر ثروتمندان" هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت حمایت می‌کند. برای روسیه، این الگو مشابه اما ضعیف‌تر است. علاوه بر این، سرعت تعدیل بسیار سریع در ایران (-۰/۶۵-) نسبت به روسیه (-۰/۴۸-) نشان می‌دهد که اقتصاد ایران نه تنها از نظر اندازه اثر، بلکه از نظر سرعت عکس‌العمل و بازگشت به تعادل بلندمدت پس از یک شوک نااطمینانی نیز حساس‌تر است.

یافته‌ای دیگر که از برآورد مدل در جدول ۵ استخراج می‌شود، حاکی از آن است که تأثیر منفی تولید ناخالص داخلی بر نابرابری درآمدی در هر دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت دارای اهمیت آماری و اقتصادی است. مقادیر به دست آمده برای ضرایب بلندمدت (ایران: ۰/۶۲ و روسیه: ۰/۵۸) نشان می‌دهد که در یک افق بلندمدت، به‌ازای هر واحد افزایش در رشد اقتصادی، نابرابری (ضریب جینی) به‌طور میانگین به میزان قابل‌توجهی افزایش می‌یابد. این نتیجه به‌خودی‌خود گویای یک چالش ساختاری عمیق است. با این حال، نکته به‌مراتب هشداردهنده‌تر، مشاهده‌ی اثرات نامساعد و معنادار حتی در افق کوتاه‌مدت است (ضرایب کوتاه‌مدت: ایران ۰/۲۵ و روسیه ۰/۲۱). این پدیده ثابت می‌کند که پیامدهای توزیعی نامطلوب رشد اقتصادی، نه یک پدیده‌ی تأخیری و منحصر به بلندمدت، بلکه بلافاصله و هم‌زمان با نوسانات اقتصادی ظاهر می‌شوند. برای کشور ایران، این نتیجه در

پژوهش دیگری توسط خالصی و پیرایی (۱۳۹۵) نیز به اثبات رسیده است. چنانکه طبق پژوهش آنها، رشد اقتصادی موجب افزایش نابرابری درآمدی بین استانی در کشور ایران می شود.

همچنین براساس جدول ۵، ضریب بلندمدت نرخ بیکاری برای ایران ۰/۳۱- و برای روسیه ۰/۲۲- است. بررسی ضرایب کوتاهمدت (ایران: ۰/۱۲-؛ روسیه: ۰/۰۸-) نشان می دهد که رابطه معکوس بیکاری و نابرابری، پدیده ای فوری و همزمان با افزایش بیکاری است، اما شدت آن در بلندمدت افزایش می یابد. این الگو با این تفسیر همخوانی دارد که در دوران رکود، اولین تأثیرات (کوتاهمدت) شامل کاهش درآمدهای متغیر (سهام) و از دست دادن شغل است، اما اثرات عمیق تر بر ثروت و سرمایه (که بیشتر متوجه قشر مرفه است) با گذشت زمان (بلندمدت) خود را بیشتر نشان می دهد. شدت بیشتر این اثر در هر دو افق در ایران، شکنندگی بیشتر قشر متوسط و آسیب پذیری ساختاری اقتصاد این کشور را نشان می دهد.

در مورد متغیر مستقل تجارت خارجی، مهمترین و جالبترین تفاوت بین کوتاهمدت و بلندمدت، نیز بین دو کشور آشکار می شود. برای ایران، ضریب بلندمدت اگرچه مثبت، اما بسیار کوچک (۰/۰۸) است. حال با افزودن بعد کوتاهمدت، تصویر اثرگذاری این متغیر بر ضریب جینی کامل تر می شود. ضریب کوتاهمدت تجارت برای ایران (۰/۰۳) نه تنها کوچک، بلکه از نظر آماری فاقد معناداری است. این یافته دوگانه (بی معنایی در کوتاهمدت و اثر ناچیز در بلندمدت) به طور محکمی تأیید می کند که تجارت خارجی در ساختار کنونی اقتصاد ایران نقش تعیین کننده ای در پویایی نابرابری درآمد ایفا نمی کند. در مقابل، برای روسیه داستان کاملاً متفاوت است. هم ضریب کوتاهمدت (۰/۱۸) و هم ضریب بلندمدت (۰/۵۳) مثبت، بزرگ و بسیار معنادار هستند. این الگو نشان می دهد که افزایش تجارت در روسیه هم بلافاصله (کوتاهمدت) و هم به صورت پایدار (بلندمدت)، نابرابری را به طور قابل توجهی افزایش می دهد. این نتیجه گیری، تفسیر مبنی بر تمرکز منافع تجارت در دست صاحبان صنایع و منابع در روسیه را تقویت می کند.

در مجموع بر اساس یافته های کمی جدول ۵، می توان ادعا کرد که سازوکار و الگوی اثرگذاری متغیرهای کلان بر نابرابری درآمدی در اقتصاد ایران و فدراسیون روسیه، در مقایسه ای بین کشوری، شکاف های ساختاری عمیق و معناداری را عیان می سازد. در مورد ایران، یافته ها از یک الگوی پارادوکس گونه و ناپایدار حکایت دارند: شوک های منفی اقتصادی از قبیل افزایش نااطمینانی و بیکاری، به گونه ای غیرمنتظره و در کوتاهمدت به کاهش ضریب جینی (کاهش آماری نابرابری) می انجامند. این پدیده را می توان به "اثر فقر همگن ساز" تعبیر کرد، جایی که شوک های گسترده، درآمد قشر متوسط و پایین را به طور همزمان و شدید تحت تأثیر قرار داده و آنان را به سمت پایین ترین سطوح درآمدی سوق می دهد که در ظاهر به کاهش آماری نابرابری می انجامد. این "تعادل کاذب" فقرمحور، با سرعت بالا و تقریباً بلافاصله در اقتصاد ایران محقق می شود. در مقابل، شاخص های مثبتی مانند رشد تولید ناخالص داخلی نیز بلافاصله و در هر دو افق زمانی، نابرابری را تشدید می کنند که نشان از تمرکز منافع رشد در دهک های بالایی دارد. این چرخه معیوب—که در آن هم رونق و هم رکود به نوعی به زیان عدالت توزیعی عمل می کنند—تصویری روشن از یک اقتصاد بی ثبات، شکننده و فاقد نهادهای کارآمد و پیشگیرانه برای بازتوزیع ثروت را ترسیم می نماید. در سوی دیگر، الگوی حاکم بر اقتصاد روسیه اگرچه از نظر جهت اثر شوک های منفی مشابه ایران است، اما این اثرات کم رنگ تر و احتمالاً تحت مدیریت نهادی قوی تری ظاهر می شوند. با این حال، نقش برجسته و هشداردهنده در این کشور، تأثیر قوی، پایدار و فزاینده ی بازبودن تجاری بر افزایش نابرابری در هر دو افق کوتاهمدت و بلندمدت است. این یافته نشان می دهد که ادغام اقتصاد روسیه در بازارهای جهانی، اگرچه می تواند محرک رشد باشد، اما منافع آن به طور نامتوازن توزیع شده و به طور خاص به سود بخش های خاص و سرمایه داران بزرگ

عمل کرده و در غیاب سیاست‌های تصحیح‌کننده‌ی قوی، شکاف درآمدی را تعمیق می‌بخشد. در نتیجه، می‌توان چنین استنباط کرد که در ایران، مسئله اصلی، "بی‌ثباتی ساختاری و نبود نهادهای بازتوزیعی" است، در حالی که برای روسیه، چالش کلیدی "مدیریت توزیعی پیامدهای ادغام در اقتصاد جهانی" به نظر می‌رسد.

در ادامه جهت کنترل پایایی مدل‌های برآورد شده برای دو کشور ایران و روسیه، آزمون‌هایی به شرح جدول ۶ انجام شد.

جدول ۶. پایایی سنجی مدل برآورد

آماره	مقدار برای کشور ایران	مقدار برای کشور روسیه
آماره F	۱۵/۲۳	۱۷/۸۹
آزمون جارکا-برا ^۱	۰/۹۵ (۰/۶۲)	۱/۰۸ (۰/۵۸)
آزمون خودهمبستگی بروش گادفری ^۲	۱/۵۲۱ (۰/۲۱۸)	۱/۲۷۶ (۰/۲۶۵)
آزمون ناهمسانی واریانس وایت ^۳	۰/۸۸ (۰/۴۷)	۱/۱۰ (۰/۳۵)

منبع: پژوهش حاضر

طبق جدول ۶، مقادیر آماره F برای ایران و روسیه نشان‌دهنده‌ی آن است که هر دو مدل برآورد شده به طور کلی از نظر آماری معتبر می‌باشند. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل استفاده شده در مدل به صورت هم‌زمان توانایی توضیح تغییرات متغیر وابسته (ضریب جینی) را دارند و مدل از قدرت توضیح‌دهندگی مناسبی برخوردار است. همچنین آزمون جارکا-برا به بررسی نرمال بودن توزیع جملات خطا می‌پردازد. فرض صفر در این آزمون، نرمال بودن توزیع جملات خطا است. با توجه به مقادیر احتمال حاصل شده در پراتنز برای ایران و روسیه، نمی‌توان فرض صفر مبنی بر نرمال بودن را رد کرد. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که جملات خطا در هر دو مدل دارای توزیع نرمال هستند. ضمن آنکه آزمون بروش-گادفری به بررسی عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا می‌پردازد. فرض صفر در این آزمون، عدم وجود خودهمبستگی است. مقادیر احتمال برای ایران و روسیه دال بر عدم رد فرض صفر می‌باشند. این نتیجه نشان می‌دهد که در جملات خطای مدل‌های برآورد شده برای هر دو کشور، مسئله خودهمبستگی وجود ندارد. در نهایت آزمون وایت به بررسی ثابت بودن واریانس جملات خطا (همسانی واریانس) می‌پردازد. فرض صفر در این آزمون، همسانی واریانس جملات خطا است. مقادیر احتمال برای ایران و روسیه نشان می‌دهند که دلیلی برای رد فرض همسانی واریانس وجود ندارد.

نتایج حاصل از آزمون‌های جمع تجمعی باقیمانده‌ها و جمع تجمعی مربعات باقیمانده‌ها برای مدل‌های برآورد شده هر دو کشور طبق نمودار ۲ انجام شد. نتایج حاصل شده برای هر مدل‌های برآورد دو کشور ایران و فدراسیون روسیه، پایداری ساختاری ضرایب مدل در طول دوره مطالعه را تأیید می‌کند. در هر دو آزمون و برای هر دو کشور، نمودار آماره‌های آزمون (خط آبی) به طور کامل در محدوده بحرانی ۵ درصد (بین دو خط قرمز) قرار گرفته است.

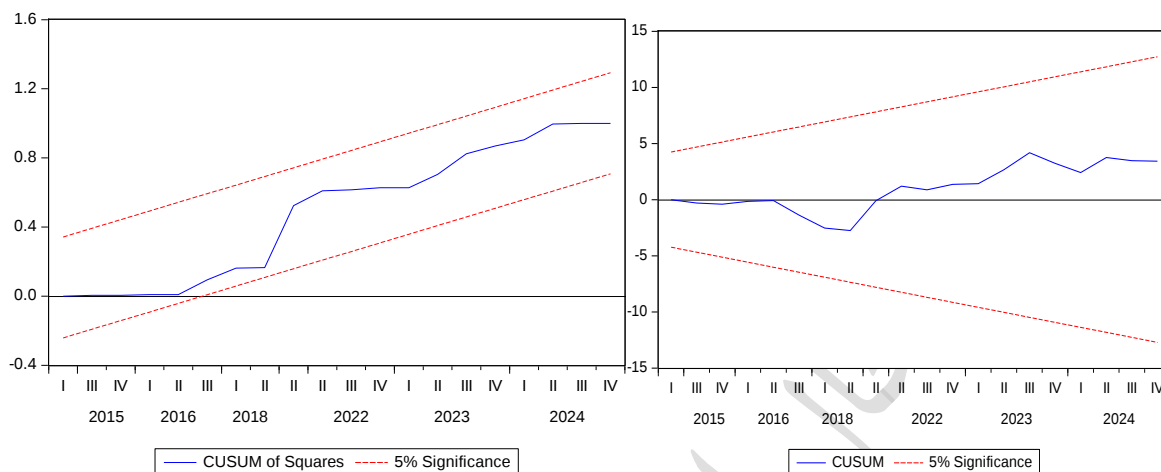
1 - Jarqua-Bera

2 - Breusch-Godfrey

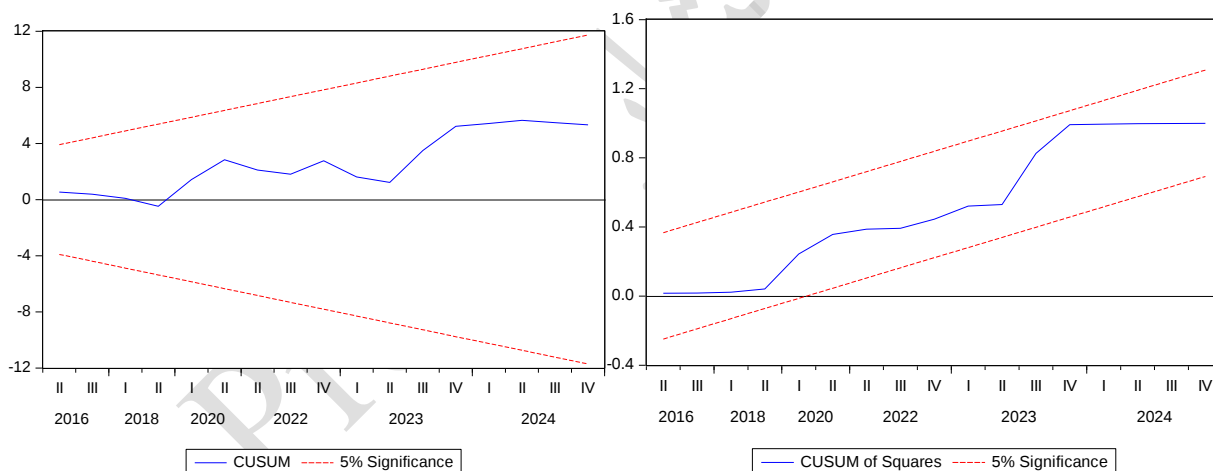
3 - White's Test for Heteroscedasticity

نمودار ۲. آزمون پایداری ضرایب

مدل برای ایران:



مدل برای کشور فدراسیون روسیه:



منبع: پژوهش حاضر

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

این مقاله با هدف بررسی تطبیقی اثر ناپایداری اقتصادی بر شاخص نابرابری توزیع درآمد در ایران و فدراسیون روسیه انجام شد. با به‌کارگیری داده‌های فصلی دوره ۲۰۰۴-۲۰۲۴ و استفاده از روش اقتصادسنجی مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، شاخص نوآورانه‌ای از ناپایداری اقتصادی مبتنی بر جستجوهای اینترنتی برای هر دو کشور محاسبه گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از آن

است که نااطمینانی اقتصادی تأثیر آماری معناداری بر توزیع درآمد در هر دو اقتصاد داشته، اما جهت، شدت و مکانیسم این تأثیر تحت تأثیر ویژگی‌های ساختاری و نهادی خاص هر کشور، متفاوت بوده است.

تحلیل همزمان ابعاد کوتاه‌مدت و بلندمدت، تصویر دقیق‌تری از این مکانیسم‌ها ارائه داد. برای اقتصاد ایران، نتایج یک رابطه بلندمدت با ثبات را تأیید می‌کند، اما بررسی ضرایب کوتاه‌مدت نشان می‌دهد که شوک‌های منفی (مانند نااطمینانی و بیکاری) تقریباً بلافاصله و با قدرتی قابل توجه، منجر به کاهش نابرابری می‌شوند. این پدیده متناقض‌نما، که با سرعت تعدیل بسیار بالا به تعادل بلندمدت می‌رسد، برآمده از ساختار اقتصادی شکننده، وابستگی به درآمدهای نفتی، و مواجهه مستمر با شوک‌های خارجی است که در آن، دارایی‌ها و درآمدهای قشر مرفه‌تر، آسیب‌پذیرتر است. در مقابل، در اقتصاد روسیه که از تاب‌آوری نسبی بیشتری برخوردار است، اثر شوک‌های منفی بر نابرابری، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، با شدت کمتری ظاهر می‌شود. یافته کلیدی دیگر، نقش متمایز تجارت بین‌الملل بود. در حالی که در ایران، تجارت در هیچ‌یک از افق‌های زمانی نقش تعیین‌کننده‌ای در نابرابری نداشت، در روسیه، باز بودن تجاری به‌عنوان یک محرک قوی و باثبات در هر دو افق کوتاه‌مدت و بلندمدت، نابرابری را افزایش داد. این امر بر تمرکز منافع تجارت در بخش‌های محدود و خاص اقتصاد روسیه دلالت دارد.

با توجه به یافته‌های فوق، راهبردهای سیاستی برای هر دو کشور باید با در نظرگیری پویایی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت طراحی شوند.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، سه محور سیاستی کلان برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود: نخست، ثبات‌سازی نهادی از طریق تدوین سند راهبردی ثبات بازار ارز، تصویب قانون بودجه‌ریزی ضدچرخه‌ای برای کاهش وابستگی به نفت، و الزام بانک مرکزی به انتشار عمومی پیش‌بینی‌های تورمی به منظور کاهش نااطمینانی. دوم، تقویت سامانه هوشمند بازتوزیع درآمد با راه‌اندازی سامانه یکپارچه رفاه اجتماعی برای هدفمندسازی دقیق یارانه‌ها، اجرای کامل نظام مالیات‌ستانی تصاعدی (شامل مالیات بر عایدی سرمایه و ثروت)، و توسعه بیمه اجتماعی فراگیر برای محافظت از اقشار کم‌درآمد در برابر شوک‌ها. سوم و حیاتی‌تر، مدیریت پیشگیرانه ریشه‌های نااطمینانی با ایجاد شورای عالی ثبات اقتصادی برای پایش مستمر ریسک‌ها، اجرای برنامه ارتقای حکمرانی بانکی برای شفاف‌سازی دارایی‌ها، توسعه دیپلماسی اقتصادی فعال برای کاهش تنش‌های خارجی، و استقرار سامانه انتشار به‌هنگام آمارهای اقتصادی.

برای فدراسیون روسیه، نیز پیشنهاداتی براساس نتایج این تحقیق قابل طرح است. برای اقتصاد فدراسیون روسیه، اجرای اصلاحات نهادی عمیق برای کاهش تمرکز اقتصادی و مقابله با رانت‌جویی در حلقه‌های نزدیک به قدرت، امری حیاتی است. این اصلاحات نه تنها به کاهش نابرابری ناشی از تجارت و درآمدهای انرژی در بلندمدت کمک می‌کند، بلکه مشروعیت و اثربخشی سیاست‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین متنوع‌سازی ساختار صادراتی با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته و تقویت پیوندهای تجاری با اقتصادهای نوظهور غیرغربی، آسیب‌پذیری اقتصاد فدراسیون روسیه را از تحریم‌ها و نوسانات قیمت انرژی کاهش می‌دهد. این امر به ایجاد اشتغال باکیفیت و توزیع عادلانه‌تر منافع رشد در بلندمدت منجر می‌شود. ضمن آنکه تقویت نظام تأمین اجتماعی و خدمات عمومی در سراسر این کشور پهناور، به‌ویژه در مناطق محروم خارج از مسکو و سن‌پترزبورگ، یک ضرورت است. این کار از تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای در دوران شوک‌های اقتصادی جلوگیری کرده و تاب‌آوری کل اقتصاد را در کوتاه‌مدت و بلندمدت افزایش می‌دهد.

به منظور تعمیم‌پذیری بیشتر یافته‌ها و درک جامع‌تر از پویایی رابطه نااطمینانی و نابرابری در اقتصادهای متکی بر منابع، انجام مطالعه‌ای تطبیقی با دربرگیری نمونه‌ای گسترده‌تر از کشورهای صادرکننده نفت (همچون ونزوئلا، نیجریه، الجزایر و عربستان سعودی) توصیه می‌شود. چنین پژوهشی با اولویت‌بندی کشورها بر اساس شاخص‌هایی مانند شدت تحریم، کیفیت نهادهای حاکمیتی و سطح توسعه‌یافتگی، می‌تواند نتایج کامل‌تر و قابل‌اطمینان‌تر ارائه دهد. همچنین انجام پژوهش پیرامون مکانیزم‌های اثرگذاری نااطمینانی اقتصادی بر شاخص‌های رفاه اجتماعی کشور ایران می‌تواند در آینده مورد توجه قرار گیرد که نتایج آن امکان سیاست‌گذاری بهتر و کاراتر از سوی خط مشی‌گذاران پولی و مالی کشور را فراهم خواهد آورد.

منابع

- Afzali, M., Colak, G., & Fu, M. (2021). Economic uncertainty and corruption: Evidence from public and private firms. *Journal of Financial Stability*, 57, 100936, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2021.100936>
- Albassam, M., Aslam, M., & Janjua, A. (2025). Illuminating the impact of economic policy uncertainty, renewable energy, and economic growth on environmental sustainability. *Environmental Science Europe*, 37, 101, doi: <https://doi.org/10.1186/s12302-025-01148-z>
- Belotevogel, R., Imamoglu, E., Moriyama, K., & Sarr, B. (2022). Income inequality measures and economic growth channels. *Journal of Macroeconomics*, 72, 103413, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jmacro.2022.103413>
- Bontempi, M., Charemza, W., & Makarova, S. (2025). Economic uncertainty measures, experts and large language models. *Journal of International Money and Finance*, 157, 103369, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jimonfin.2025.103369>
- Castelnuovo, E., & Tran, T. (2017). Google It Up! A Google Trends-based Uncertainty index for the United States and Australia. *Economics Letters*, 161, 149- 153.
- Chikhale, N. (2023). The effects of uncertainty shocks: Implications of wealth inequality. *European Economic Review*, 154, 104412, doi: <https://doi.org/10.1016/j.eurocorev.2023.104412>
- Epo, B., Mvomo, F., Tabi, H., & Ondo, H. (2024). Colonial status and income inequality in developing countries. *World Development Perspectives*, 36, 100634, doi: <https://doi.org/10.1016/j.wdp.2024.100634>
- Goodarzi Farahani, Yazdan & Abbasi Nejad, Hossein (2023). Measuring the Effect of Economic Uncertainty Shocks on Macroeconomic Variables: A Stochastic Dynamic General Equilibrium Approach. *Stable Economy Journal*, 4(3), 106–133. DOI: 10.22111/sedj.2023.44255.1277. [In Persian]
- Haji Mali Mirzaei, Sadegh; Mahmoudzadeh, Mahmoud; Ghoveydel, Saleh; & Fath Abadi, Mehdi (2024). Government Spending Policy Uncertainty and Economic Activity in Iran. *Journal of Financial Economics*, 1(66), 483–504. DOI: 10.30495/fed.2024.709383. [In Persian]

Hassani, Davoud; Mirfeyz, Falah; & Zamordian, Alireza (2022). The Impact of the Economic Uncertainty Index on the Financial System Health Stability. *Razi Journal of Medical Sciences*, 29(8), 199–205. [In Persian]

Jovanovic, B., & Ma, S. (2022). Uncertainty and growth disasters. *Review of Economic Dynamics*, 44, 33–64.

Khalasi, Golnar & Pirayi, Khosrow (2016). The Relationship between Economic Growth and Income Inequality across Iranian Provinces. *Iranian Journal of Economic Research*, 16(2), 155–171. DOI: 20.1001.1.17356768.1395.16.2.6.1. [In Persian]

Lu, S., Zeng, Y., Zhang, W., & Zhao, Y. (2025). Economic Policy Uncertainty and Intra-Industry Risk Spillovers: Evidence from China's Non-Financial Sector. *Journal of System Science and Complexity*, doi: <https://doi.org/10.1007/s11424-025-4602-9>

Muller, H., Blagov, B., Schmidt, T., Reiger, J., & Jentsch, C. (2025). The macroeconomic impact of asymmetric uncertainty shocks. *The Journal of Economic Asymmetries*. 31, e00410, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jeca.2025.e00410>

Rasoulinezhad, Ehsan (2017). A Global Examination of the Resistance Economy Model: A Case Study of Russia and Iran. *Strategic & Macro Policy Quarterly* (Special Issue: Resistance Economy), 5, 45–62. DOI: 20.1001.1.23452544.1396.5.0.3.5 [In Persian]

Rasoulinezhad, Ehsan (2025). Foundations of Global Economic Studies (2nd ed.). NourElm Publishing: Tehran. [In Persian]

Rasoulinezhad, Ehsan & Iksi, Ebrahim Halil (2024). Trend Study of the Economic Development of the Russian Federation. *Journal of Countries Studies*, 2(2), 279–298. DOI: 10.22059/jcountst.2024.370813.1097 [In Persian]

Rezaei, Nader & Norouzi, Alireza (2019). Economic Uncertainty and Bank Lending Decisions. *Investment Knowledge*, 8(32), 315–329. [In Persian]

Samadi, Ali Hossein (2002). Identifying the Most Important Sources Increasing Income Inequality in Urban and Rural Areas of Iran: Decomposition of the Gini Coefficient (1991 and 1996). *Journal of Economic Research & Planning*, 7(2), 33–52. DOI: 20.1001.1.22519092.1381.7.2.2.4. [In Persian]

Sharafat Jahromi, Mohammad Naser & Taji, Zarirangin (2010). The Effect of Macroeconomic Policies on Income Distribution in Iran. *Economics Quarterly (Modeling)*, 1(2), 1–29. [In Persian]

Szczygielski, J., Charteris, A., Bwanya, P., & Brzezczynski, J. (2024). Google search trends and stock markets: Sentiment, attention or uncertainty? *International Review of Financial Analysis*, 91, 102549, doi: <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.102549>

Tang, S., & Cao, X. (2022). How economic uncertainty affect enterprises' strategic orientation. *International Review of Economics & Finance*, 10, 104127, doi: <https://doi.org/10.1016/j.iref.2025.104127>

Tong, C., Huang, Z., Wang, T., & Zhang, C. (2023). The effects of economic uncertainty on financial volatility: A comprehensive investigation. *Journal of Empirical Finance*, 73, 369–389.